

فرق انتقاد با بی انصافی

در تاریخ استان اردبیل دیواری کوتاه تر از دیوار ورزش وجود نداشته است. توجه به ورزش در میان دیگر پدیده های اجتماعی همیشه از سهم بسیار ناچیزی برخوردار بوده است. هر استاندار و فرمانداری که در این منطقه انجام وظیفه نموده در حرف بارها ارادت ، علاقه مندی و شیفتگی خود به ورزش را ابراز نموده ولی در عمل چندان در تحقق گفته های خود تلاش و پافشاری نکرده اند. اگر وضعیت اماکن ورزشی استاندارد و امکانات اولیه مورد نظر مورد بررسی قرار بگیرد صدق گفته های و ادعاهای ما حتما به اثبات خواهد رسید.

در سال های اخیر و بعد از استان شدن منطقه به صراحت می توان بیان کرد که در هیچ دوره ای ورزش استان در نظر مسئولین به عنوان یک اولویت مورد توجه قرار نگرفته است و حتی در مقاطعی به دلیل برخی از سوء تفاهم ها و یک دندگی ها و لجبازی ها ورزش بیشترین ضربه را نیز متحمل شده است که نمونه بارز آن در مقطعی از استاندار صابری بود که ورزش و مدیریت آن وحشتناک ترین لحظه ها و روزها را سپری کردند.

این بحث ما اصلا سیاسی نیست و ربطی به این گروه و یا آن گروه و یا این دولت و یا آن دولت ندارد. در همه دولت ها ورزش اردبیل به بهترین وجه و زیباترین صورت مورد توجه قرار نگرفته است. این گفته ما دلیلی بر این نباشد که آن تعداد انگشت شمار از همکاران ما که تاب تحمل حتی یک سطر انتقاد از مسئولین استان و بخصوص استاندار را ندارند دست به قلم بشوند و بر ما بشورند و زیر بار حملات تند و تیز قرار بدهند. ما را کاری به این نیست که خدابخش در صنعت، اقتصاد، فرهنگ و ... انقلابی در سطح استان به پا کرده است یا نه؟ حرف بر سر این است که آنطور که باید و شاید و انتظار می رفت خدابخش و همکارانش در ورزش توقع ها را نتوانسته اند برآورده نمایند و اصلا آیا در قبال دیگر اقدامات به ورزش و سرنوشت آینده سازان این دیار به اندازه آنها اهمیت قایل شده اند؟ ارائه آمارهای تشکیل جلسات و حضور در مراسم و بازدید از پروژه های با بیش از عمر 5 سال نمی تواند نشانی از اهمیت دادن به ورزش تلقی شود.

شناخت دقیق مسئولین از ورزش و چهره های ورزشی حال و گذشته استان می تواند عاملی برای اهمیت دادن افراد به ورزش تلقی گردد. در مقطعی از تاریخ استان ، سید جواد نگارنده استاندار اردبیل بود. او یکی از استانداران ورزشی استان بود که توانست در جهت حرکت بخشیدن به ورزش موثر باشد. هنوز چند ماهی از حضور وی در استان

نگذشته بود که یک روز از سید شروین اسبقیان مدیر کل وقت تربیت بدنی استان سؤال می کند که مقصود بایرامی کجاست و چه کار می کند؟ وقتی با خبر درگذشت وی روبرو می شود بسیار متاثر شده و پیشنهاد می کند که در اولین فرصت به دیدار خانواده وی و تنها یادگارش رفته و از زحمات آن مرحوم در فوتبال آذربایجان و لیگ قدس قدردانی نماید. این کار انجام شد (نویسنده این سطور نیز افتخار حضور در آن جلسه را داشت) و همه حاضرین از توجه استاندار و نگاه ویژه وی به ورزش و شناخت از تک تک چهره های تاثیر گذار ورزش منطقه قدردانی کردند.

در ورزش، انتقاد می تواند به عنوان یک بازوی اساسی در امر شناخت کاستی ها و ضعف ها و از بین بردن آنها تلقی گردد. اما امروز با وجود فضای مجازی بحث انتقاد شکل و شمایل دیگری به خود گرفته و در بیشتر موارد جای انتقاد سالم با "بی انصافی" در عمل عوض می شود. هر فرد از نگاه خود به مسائل نگاه کرده و بدون در نظر گرفتن جوانب امر بی پرده حرف ها را بر زبان رانده ، حرمت ها را شکسته و برخی ها نیز در پشت نقاب منافع شخصی و گروهی با در دست گرفتن تیغ دو لبه تا رسیدن به هدف به پیشروی و گشودن ربان به بد ادامه می دهند.

انتقاد اگر واقعا به معنای نقد باشد ، به معنی جدا کردن سره از نا سره و روشن کردن درست و غلط مطلب باشد. هدفش خیرخواهی و نشان دادن راه باشد ، با دلسوزی انجام می شود. انتقاد صحیح می تواند مددکار و کمک حال مسؤلین باشد و می توان از آن در جهت بهبود کار و رفع معایب و تقویت نقاط قوت بهترین استفاده ها را کرد و در این حالت باید از منتقد سپاسگزار و شاکر بود که دلسوزانه و خیرخواهانه و به قصد خدمت و نیت خیر ، ضعف ها را که خود به خاطر درگیر بودن در کارها نمی دیده یادآور شده و راه را نشان داده و باطنا سربلندی و موفقیت دست اندرکاران را آرزو دارد.

متاسفانه این روزها فضای مجازی و حضور تحلیل گران بی تجربه و در برخی موارد از خود راضی های متکبر به جای نقد حرف ها ، کردارهایی از جنس "بی انصافی" و "کم لطفی" انجام می دهند. برخی از این قبیل افراد فضای مجازی را به عرصه ای برای تسویه حساب های شخصی و بانندی تبدیل کرده و برای حمله به افراد هیچ حد و مرزی را قائل نمی شوپ د.

بیائید در کارها، نقدها و تحلیل های خود فقط منافع ورزش و به اوج رسیدن آن را در نظر بگیریم.

بیائید در بررسی هر اتفاق و رویداد ورزشی روال صحیح و مکانیزم درست انجام امور را ملاک اظهار نظر قرار بدهیم.

بیائید طوری رفتار کرده و سخن بگوییم تا برای دست اندرکاران ورزش پیشنهادهای ما کارساز و مؤثر در بهبود اوضاع باشد.

بیائید کاری نکنیم تا جامعه ورزش را نسبت به نقد ها و تحلیل ها و رسانه خود بی اعتماد بکنیم . بی اعتمادی جامعه به یک رسانه می تواند عواقب ناخوشایندی برای دست اندرکاران آن رسانه به دنبال داشته باشد.

بیائید در همه حال خدا را ناظر بر اعمال و رفتار و کردار خود ببینیم و تلاش کنیم تا گفته ها و رفتارهای ما در قبال ورزش از جنس "بی لطفی" و "کم لطفی" نباشد.